

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

27 جون 2013

اندوه تنهائی

هوا سرد بود، کاملاً از جنس انجماد سلولهای قلبت و آسمان با من سر آشتی
نداشت.

کنار پنجره نشسته بودم و از عقب شیشه های غبارآلود به مرمر شفاف یخ
روی سنگفرش جاده نگاه میکردم.

صدائی در سکوت دلم رها شد. گمان کردم برگشتی، گمان کردم خرمن
تیرگیها را روی زمین قلبم نورباران خواهی ساخت. دیری بود آهنگ دلنشین
خنده ها را فراموش کرده بودم.

دست دراز کردم و پنجره خنکزده را به سختی گشودم، هوای سرد پلکهایم را
بهم چسپاند، کسی را ندیدم. صدای شکستن شاخه درختی از حجم سنگین
زنگوله های یخ در منحنیهای سرد گوشهایم طنین انداخت و به دنبالش آواز
بلندی از شکستن درخت برومند غرور من.

پنجره را بستم و در اندوه تنهائیم گم شدم؛ گم شدم و سالها ست که گم شدم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده)